

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۲۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ تیر ۱۳۸۹، ۷ ژوئیه ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدل گلپریان

## پرونده جنایات جمهوری اسلامی تا سرنگونی حکومت باز است در مورد اعلام نتیجه "دادگاه متهمان کهریزک"



میان ۱۱ متهم این جنایت دو نفر را به قصاص نفس محکوم کرده اند. که اگر این حکم توسط نهادهای قضائی جرم جنایات کهریزک و محکومیت ۳۳ نفر به جرم حمله به کوی دانشگاه تهران خبر داد. اعلام کرده اند که از روز چهارشنبه ۹ تیر "سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی" از محکومیت ۱۱ نفر به جرم جنایات کهریزک و محکومیت ۳۳ نفر به جرم حمله به کوی دانشگاه تهران خبر داد. اعلام کرده اند که از

صفحه ۲

## دفاع از آزادی مسئله ای قومی نیست

از بین بردن مجازات اعدام در حول و حوش سرزبان افتادن احتمال خیر اعدام کسانی حاد می شود که گرچه طبیعی به نظر می رسد، اما جای تأسف دارد. بهرحال به این موضوع باید در جای دیگری به قدرت در جریان است. مبارزه برای

صفحه ۲



ناصر اصغری

## کارنامه جنایات کهریزک تا محاکمه همه سران و دست اندر کاران حکومت باز خواهد ماند!

بر اساس این اطلاعیه ۹ متهم دیگر پرونده هم به اتهامات مختلف به تحمل مجازاتهایی چون تحمل حبس، پرداخت دیه و جزای نقدی، انفصال موقت از خدمت و تحمل شلاق محکوم شده اند. یکی دیگر از متهمان پرونده بدلیل احراز جرم از اتهامات وارده تبرئه شد؟! این در حالی است که خانواده

صفحه ۳



محمدامین کمانگر

روابط عمومی سازمان قضائی نیروهای مسلح نظام اسلامی ایران روز چهارشنبه ۹ تیرماه و سی ماه ژوئن با صدور

## "زمانی برای کشتن اسبها"

درماناوی" از توابع "هومل" سردشت، گروهی از کارگران مرزی را به رگبار بستند. بر اثر این حمله نوجوانی ۱۴ ساله به نام زانیار ابراهیمی، فرزند محمد، اهل روستای "فقیه خدریان" منطقه ی "باسکی کوله سه" هدف گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد. در این حمله همچنین ۶۰ رأس از چهارپایان نیز تلف شده و ۲۰ رأس نیز به غنیمت نیروهای رژیم درآمدند.

صفحه ۳



اقبال نظرگاهی

شامگاه جمعه، چهارم تیرماه نیروهای انتظامی در منطقه "دولی

نهاد کودکان مقدمند

صفحه ۴

به حکم اعدام محمدرضا حدادی اعتراض کنید

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۴

با اعتراضات جهانی مانع اجرای حکم اعدام محمدرضا حدادی شویم

محمد آسنگران

صفحه ۵

نکاتی پیرامون مصاحبه عبدالله مهدی با تلویزیون بی بی سی

مینا احدی

صفحه ۷

سخنی با شما! ما میتوانیم سکینه را نجات دهیم!

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پرونده جنایات جمهوری اسلامی ... از صفحه ۱

تشریح پرداخت و نکات لازم را به بحث و بررسی گذاشت. منتها در این یادداشت کوتاه می‌خواهم به جنب و جوش قوم پرستان در حول و حوش خبر اعدام زینب جلالیان چند نکته بگویم. چند موضوع مهم را باید در این مورد در نظر گرفت که هیچ کدام از آنها ربطی به جایگاه تولد و عضویت فرد در نهاد و حزب مشخصی ندارند. ابتدا خود مسئله اعدام است که قبل از هر چیزی موضوع گرفتن جان انسانی توسط دولت خاصی و آنهم عمدا در میان می‌باشد. هر انسان شریفی بدون اینکه محل تولد و یا وابستگی حزبی زینب جلالیان را مد نظر داشته باشد، به صدور حکم اعدام ایشان اعتراض دارد؛ به صرف اینکه دولت جمهوری اسلامی قصد دارد جان کس دیگری را بگیرد. نکته مهم دیگر اینکه هر انسانی که وارد عرصه سیاست بشود، بالاخره با حزب و جریانی فعالیت می‌کند. اینکه زینب جلالیان و یا هر کس دیگری را در رابطه با عضویت با چه جریانی دستگیر کرده‌اند، در دفاع از آزادی بیان ایشان موضوعی فرعی است. اگر کسی فقط زمانی از آزادیهای سیاسی دفاع کند که فعالیت سیاسی فرد درگیر به طبع وی باشد، دفاعی از آزادی سیاسی نکرده است؛ بلکه دفاع از هم نظر خود کرده است.

تاریخچه‌ای از جنب این جماعت، اجازه بدهید که نظر خودم را درباره این جریان‌ها در خصوص سیاست و نتیجتاً اعدامهای سیاسی بگویم. تا آنجا که به ناسیونالیسم کرد برمی‌گردد، مسئله اساسا نه بر سر کم کردن مشقات زندگی مردم کرد زبان کردستان ایران است؛ بلکه بر سر سهیم شدن در قدرت است که ما بارها در این باره حرف زده‌ایم. در خصوص اعدام زندانیان سیاسی کرد زبان دیدیم که مسئله اصلی برای جریانات و افراد قوم پرست نه دفاع از آزادی سیاسی و اعتراض به مجازات اعدام بوده، بلکه در این خصوص سعی کرده‌اند که اجندای "کردیت" و "ملت کرد تحت ستم" از منظر خود را به پیش ببرند و بقول معروف اعدامها را پله ای برای رسیدن به اجندای خود کرده‌اند. از زبان یکی از کهنه کارترین سیاسیون این طیف، ملا عبدالله حسن زاده، شنیدیم که از نظر ایشان لغو مجازات اعدام به نازامی و نامانی

گفتم که قوم پرستان در کردستان ایران به جنب و جوش افتاده و درباره احتمال اعدام زینب جلالیان به شیوه خود کارها و اقداماتی را در دستور گذاشته‌اند. به نظر من قوم پرستان کردستان ایران ابتدا باید با چند نکته ای که روبرویشان هست، تسویه

جنایات انجام شده در شکنجه گاه مخوف کهریزک و حمله وحشیانه به کوی دانشگاه به گردن تعدادی مامور دون پایه افتاد تا به خیال خودشان پرونده کهریزک و حمله به کوی دانشگاه را ببندند و جانیان حکومت در رده های بالاتر را از زیر ضرب خارج نمایند. اما همین حد از اعتراف به جنایت در شکنجه گاه کهریزک و تشکیل دادگاه برای خودپهپایشان یک "غلط کرد" آشکار در مقابل انقلاب مردم و نوشیدن جام زهر توسط رهبرشان است. حکومت اسلامی با محاکمه این یازده تن و اعتراف به جنایت در کهریزک و همینطور در کوی دانشگاه تهران، یک گام عقب نشست و ما مردم انقلابی اینرا مقدمه تعرض بیشتر به حکومت و تحمیل عقب نشینی های بیشتر خواهیم کرد.

در پرونده کهریزک حتی "کمیسیون ویژه مجلس اسلامی" زیر فشار مردم مجبور شد سعید مرتضوی را بعنوان متهم ردیف

در جامعه دامن می‌زند. این همان نظر سران جمهوری اسلامی است.

تا آنجا که به ناسیونالیستهای دیگری که در نهادهای اسلامی مثل حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و غیره هم برمی‌گردد، اینها بهرحال خود کسانی بودند که در اعدامهای زیادی دست داشته‌اند و کارنامه سیاهی را زیر بغل حمل می‌کنند. تمام کسانی که در سرپا ماندن دنیای جهل و سرمایه شریک

اول معرفی کند و در واقع مرتضوی و رادان و احمدی مقدم عاملان مستقیم جنایت و شکنجه و کشتار عزیزان مردم در کهریزک و کوی دانشگاه و در خیابانها هستند. اینها در تلاش برای مخفی کردن این جنایات پزشک زندان کهریزک را نیز سر به نیست کردند. اما لیست جنایتکاران حکومت اسلامی به اینها محدود نمیشود. خامنه ای که دستور سرکوب داد، روسای قوه قضائیه که قضاوت و شکنجه گران زندانها را تعیین میکنند و آموزش میدهند، فرماندهان انتظامی و بسیج و سپاه که این نیروی سرکوب را به جان مردم می‌اندازند و رئیس جمهور و وزرا و نمایندگان مجلس اسلامی که در راس همه اینها قرار گرفته‌اند، جلگی در پیشگاه مردم بعنوان مجرمان اصلی جنایات سی و یک سال حکومت اسلامی شناخته میشوند و با سقوط جمهوری اسلامی در دادگاه های علنی و مردم پشت میزهای محاکمه قرار

خواهند گرفت. پرونده کهریزک، حمله به کوی دانشگاه و پرونده سی و یک سال جنایات جمهوری اسلامی باز است. ما کهریزک ها را بر سر این رژیم خراب خواهیم کرد و این حکومت ضد انسانی را سرنگون خواهیم کرد. هزاران زندانی سیاسی که در زندانها و شکنجه گاه های اوین، گهردشت، عشرت آباد و صدها زندان و سیاهچال علنی و مخفی دیگر در تهران و شهرهای مختلف اسیرند را آزاد خواهیم ساخت و جنایتکاران اصلی یعنی دست اندرکاران رژیم و در راس آنها ولی فقیه را به محاکمه خواهیم کشید. این حکم انقلاب ما مردم ایران است.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی برابری  
حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ تیر ۱۳۸۹، اول جولای ۲۰۱۰

## زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

هستند، چه در حزب دمکرات کردستان باشند و چه زائده های جمهوری اسلامی، مجبورند که به شیوه های ضدانسانی حکومت کردن

پناه بیاورند و اعدام و دفاع از مجازات اعدام فقط یک عرصه از آن است.

۵ ژوئیه ۲۰۱۰

## کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد گردد!



بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، منصور اسانلو، سعید ترابیان، رضا شهابی

## از صفحه ۱ کارنامه جنایات کهریزک تا محاکمه همه سران ...

## از صفحه ۱ "زمانی برای کشتن ...



های این قربانیان مداوماً اعلام می کنند که خواهان برگزاری دادگاه علنی آمران جنایت کهریزک هستند. هر چند تا نظام فاشیستی اسلامی ایران سر نگویند این امر هیچگاه رنگ واقعیت به خود نخواهد گرفت.

در این فصل جا دارد که در چند خط اشاره ای به سابقه این پرونده بشود تا ببینیم که چگونه قدرت انقلاب مردم بر کار و فعالیت روزانه سران و دست اندر کاران این نظام ضد انسانی تأثیر دارد و سران رژیم چگونه برای دفاع از خود از ترس انقلاب مردم پائین تر را قربانی می کنند. آنها تن به محاکمه غیر علنی و فرمایشی چند نفر دادند تا هم لبه تیز انقلاب مردم را کند کنند و هم مسئولین اصلی را استتار نمایند. هر چند تا همین جا ما مردم پیروز شده ایم. هنگامیکه بوی خون و جنایت و فساد کهریزک به هوا برخاست و دامن خودیها و غیر خودیها را گرفت، رهبر جهان اسلام و نماینده خدا بر روی زمین خامنه ای برای اینکه این جنایت وسیع تر و علنی تر کهریزک پخش نشود و حداقل بتواند سپری را در مقابل اعتراضات میلیونی مردم قرار بدهد در روز پنجم مردادماه سال گذشته (بزعم ایشان) به علت غیر استاندارد بودن شرایط آن این گوشه از جهنم که به فرمان خدا برای راهنمایی بندگان نافرمانش پیاداشته بودند با نوشیدن جام زهر دستور تعطیلی آن را صادر نمود و کمیته ویژه ای از طرف مجلس شورای اسلامی برای پیگیری این

جنایات درست شد. نوشته ها و گفته های فراوانی در باره جنایاتی که در کهریزک روی داده و همچنین کار این کمیته ویژه وجود دارد که می توان به این اسناد رجوع کرد. اما مهم این بود این کمیته که زیر اهرم فشار مردم کار می کرد، سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب وقت تهران را به عنوان صادر کننده دستور انتقال بازداشت شدگان به جهنم کهریزک معرفی کرد.

آقای مرتضوی در جواب به این مسئله اعلام کرد که: دلیل انتقال بازداشت شدگان به کهریزک فقط فقدان ظرفیت زندان اوین بوده و علت مرگ کشته شدگان هم بدلیل بیماری منیژیت بوده است. در این رابطه مجلس اظهارات قاضی مرتضوی را خلاف واقعیات اعلام کرده است.

بشنویم از آقای محمد دهقان عضو هیئت رئیسه مجلس در گفتگویی با خبرگزاری فارس در روز سه شنبه بیست و دوم دیماه برابر با (دوازده ژانویه) در این حادثه متهمان دو گروه بودند، گروهی از عوامل نیروهای انتظامی و گروه دیگر از قوه قضائیه بودند.

آقای دهقان چنین ادامه می دهد که، متهمان نیروهای انتظامی ۱۲ نفر هستند که بسرعت دادسرای سازمان قضایی نیروهای مسلح به اتهامات آنها رسیدگی کرد.

اما در رابطه با متهمان قوه قضائیه قرار بر این بود که همزمان با بررسی دادسرای سازمان نیروهای مسلح، دادسرای انتظامی قضات هم به پرونده متهمان قوه قضائیه رسیدگی کند، که باید به پرونده ۳ نفر از قضات در خصوص کهریزک رسیدگی می شد. اما تا کنون به اتهامات این قضات رسیدگی نشده است. او در مورد به تأخیر افتادن این پرونده و رسیدگی

به اتهامات قضات و مقامات قوه قضائیه گفته، برای رسیدگی به اتهامات این افراد نیازی به گزارش مجلس نبود چرا که همه مقامات قضایی از این موضوعات با خبرند. و اسناد کافی برای این اتهامات وجود دارد.

مسئولین امر برای اینکه اسرار وحشتناک تری از فجایع کهریزک فاش نشود رامین اندرجانی پزشک کهریزک را نیز به قتل رساندند و مسئولان امر زیر فشار اعتراض مردم به این جنایات هر بار به شیوه ای این قتل را انکار می کردند. بار اول به مردم گفتند که او خودکشی کرده است. بار دوم گفتند که سخته قلبی کرده است. بار سوم دادستان تهران اعلام می کند که علت مرگ پزشک کهریزک بر اثر مسمومیت دارویی بوده است.

اما بنا به اسنادی که "روز" منتشر کرد در صورت جلسه اولین معاینه محل زمان کشف جسد در محل کار او دلالت دارد که، این پزشک جوان را خفه کرده اند. آری او را بقتل رساندند تا فجایع کهریزک پرده پوشی شود. اما نه تنها مردم ایران بلکه جهانیان شاهد بودند که خامنه ای دستور حمله را صادر نمودند و مجریانی چون سعید مرتضوی، احمدی مقدم، و سردار رادان عاملان این جنایاتها هستند. این جانیان اسلامی می خواهند که این پرونده را هم مانند پرونده جنایت کوی دانشگاه و قتلهای زنجیره ای از سربر کنند.

اما ما مردم ایران پرونده صدها زندان مخفی و علنی مثل کهریزک و کارخانه اسلحه سازی پاسارگاد که سالهاست به بازداشتگاه سپاه تبدیل شده و هیچ نهاد قضایی دسترسی به این بازداشتگاه ندارد را باز خواهیم کرد و سران و دست اندر کاران این نظام فاشیستی را به محاکمه خواهیم کشاند. زنده باد انسانیت.

۳ ژوئیه ۲۰۱۰

**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**



حکومت منفور و جنایت پیشه است. این حکومت بحران زده که در سراسر کشور سقوط قرار دارد، تلاش دارد بحران خودش را به جامعه منتقل کند و خود را از هلاکت نجات دهد. به همین دلیل دست به ایجاد فضای نظامی و بحرانی چه در داخل و لب مرز و چه در خارج از مرزهایش می زند تا بلکه بتواند فضای رعب و خفقان را بر جامعه حاکم و فرصتی برای بقای خود بدست آورد. این فرصت را باید از جمهوری اسلامی گرفت.

اهالی شهرهای سردهشت، بانه، سقز و میوان و دیگر مناطق نوار مرزی سی سال است مورد تهاجم نظامی اذیت و آزار و کشتار مزدوران رژیم اسلامی قرار دارند و جنگی نابرابر بر آنها تحمیل شده و سایه اسلحه همواره بر سرشان بوده است. این جنگ را باید خاتمه داد. سببیت حکومت اسلامی گویای وحشت از سرنگونی اش است. مرگ جمهوری اسلامی پایان این جنگ است. امروز که جمهوری اسلامی غرق در فساد و بحران سیاسی و اقتصادی است و جامعه بر سر نبود آن عزم جزم کرده و انقلابی برای سرنگونی آن در جریان است، روز به میدان آمدن است، می شود و باید این حکومت فاشیستی را سرنگون کرد. این تنها راه خاتمه دادن به تمام جنایات و فلاکت موجود است. هرچه حلقه محاصره کردن رژیم توسط مردم تنگتر شود لحظه مرگ رژیم نزدیکتر می شود. برای خاتمه دادن به سی سال جنایت و کشتار، سی سال فقر و فلاکت، باید متشکل و متحدانه به میدان آمد. جمهوری اسلامی نمی تواند یک اعتراض سراسری از کارخانه تا خیابان از مدرسه تا دانشگاه و از سردهشت تا تبریز را سرکوب کند. لازم است برای مبارزه همزمان و سراسری آماده بود.

در حالیکه پاسداران جمهوری اسلامی ترانزیت مواد مخدر آسیا به اروپا را در کنترل دارند، و نصف واردات یک مملکت را بصورت قاچاق وارد می کنند، میلیونها جوان را به اعتیاد کشانیده اند و به قاچاق تن فروشی دختران در منطقه خلیج مبادرت می کنند، آنگاه زحمتکشان مناطق مرزی را که در تلاش برای تامین لقمه نانی شرافتمندانه هستند در نهایت قساوت و وحشیگری به رگبار می بندد تا جائیکه به اسبها هم رحم نکرده و نزدیک به ۶۰ راس از آنها را از بین برده و ۲۰ راس دیگر را مصادره کرده اند.

یورش و تیرباران کاروانچیان و از بین بردن و مصادره لوازم اولیه زندگی خانواده این زحمتکشان در مرزها سابقه طولانی دارد: قند، چایی، روغن، تخم مرغ، لیوان و قوری و پارچه و اسباب بازی، از سوی قاتلان و چپاول گران حکومت اسلامی "کالای قاچاق" نام نهاده می شود و فروشنده و خریدار را با جریمه و کتک و زندان و شکنجه و اعدام روبرو می کنند. بارها حمل کننده "کالای قاچاق" هم مجرم شناخته می شود و هم مورد تیراندازی مزدوران رژیم قرار گرفته اند. این توحش رژیم اسلامی در جهان بی سابقه است. سببیت و توحش پاسداران سرمایه در باغ وحش حکومت اسلامی را تصویری جز درین و پاره کردن نیست. سنگسار، اعدام، شکنجه، ترور و تیرباران مردم معترض و انسانهایی که در تلاش برای بدست آوردن لقمه نانی برای خانواده هایشان هستند و ادامه این وحشیگری تا گلوله باران اسبهای زحمتکشان مرزی، نشان از گوری دارد که جمهوری اسلامی سی و یک سال است برای مردم ایران کنده است و مردم باید خود رژیم را در آن دفن کنند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در حال سقوط و سرنگونی است، و راز بقا داستان حیات این

## با اعتراضات جهانی مانع اجرای حکم اعدام محمد رضا حدادی شویم

## به حکم اعدام محمدرضا حدادی اعتراض کنید



محمد رضا در سن پانزده سالگی دستگیر شد. او در رابطه با قتل يك فرد به اسم محمد باقر دستگیر شد و بعد از چند بار اقرار به قتل، بعدها اعلام کرد که از طرف چند نفر دیگری که در صحنه قتل بودند، به دلیل اینکه به او قول داده بودند، پولی به خانواده اش میدهند، قتل را به عهده گرفته است. با این امید که پایین سن قانونی است و احتمال زیاد بعد از چند سال از زندان آزاد خواهد شد. محمد رضا حدادی در زندان به اعدام محکوم شد و بعد از اینکه هفت سال را در زندان گذاراند. حکومت اسلامی قصد کشتن او را دارد.

تماس مستقیم با دولتها و پارلمان اروپا است.

ما امروز با اتحادیه اروپا و همچنین دولت آلمان تماس گرفتیم و خواهان عکس العمل فوری به این حکم اعدام شدیم. در يك روزی که وقت باقی است این تماسهای تلفنی و فوری را ادامه خواهیم داد. باید کاری کنیم که دولتهای اروپایی و اتحادیه اروپا فوراً با مقامات حکومت اسلامی تماس گرفته و به این جنایت اعتراض کنند.

در ایران از مردم شيراز دعوت میکنیم که در مقابل زندان عادل آباد فردا بعد از ظهر تجمع کنند. حکومت اسلامی ایران سحرگاه چهارشنبه، قصد اعدام محمدرضا را دارد. سه شنبه عصر باید در مقابل زندان عادل آباد تجمع کرد.

ما نباید بگذاریم محمدرضا را اعدام کنند. بهر طریق ممکن به این حکم جنایتکارانه اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۶ ژوئیه ۲۰۱۰

در ایران هیچ دادگاهی مشروعیت ندارد. يك سیستم مافیایی مبتنی بر قوانین شریعه، در مورد همه چیز تصمیم میگیرد. تصمیمات از قبل گرفته میشود و احکام اعدام و قتل افراد اولین تصمیمی است که آخوند ویا به اصطلاح قاضی پرونده میگیرد.

این سیستم مافیایی اکنون قصد کشتن يك پسر جوان را دارد. هر کس به عکس محمدرضا نگاه میکند نمیتواند تصور کند که جانورانی که بر ایران حکومت میکنند، چهل و هشت ساعت دیگر او را خواهند کشت.

این وحشیانه و قرون وسطایی است و باید بهر طریق ممکن مانع اجرای این حکم شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، از همگان دعوت میکند که به این حکم اعتراض کنند.

يك راه مقابله با این حکم اعدام که وقت بسیار کم است،

مردم جهان متمنن، شما انساندوستان در هر کجای جهان! این فقط شمايید که ميتوانيد زندگی را به محمد رضا برگردانيد، به اجرای نقشه شوم قتل دولتی این نوجوان سيه روز اعتراض كنيد، همین حالا دست بكار شويد، اگر در داخل ايران هستيد، مقابل زندان عادل آباد شيراز تجمع كنيد و خواهان عدم اجرای حکم شويد. از خانواده داغديده مقتول بخواهيد که فريب دستگاه قضايی جمهوری اسلامی را نخورند و با دست خود طناب دار را به گردن این جوان مستأصل نیندازند.

در خارج کشور هر جا که ميتوانيد به نهادهای حقوق بشری مراجعه كنيد و با تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان و وزارت امور خارجه کشوری که در آن زندگی می كنيد، از دولت آن کشور بخواهيد جمهوری اسلامی را برای توقف این نقشه شوم تحت فشار قرار دهند تا این صحنه خونین اجرا نشود.

ما تا اجرای حکم فقط چهل و هشت ساعت وقت داریم! این حکم باید با تلاش و سماجت ما متوقف شود. اعدام قتل عمد دولتی است. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی عهده دار اجرای قتل محمد رضا حدادی است. این جنایت را با توقف آن باید محکوم کرد!

نهاد کودکان مقدمن  
۴ جولای ۲۰۱۰  
۱۵ تیر ماه ۱۳۸۹

پيچيده بود، درازای دريافت ۱۵ ميليون تومان، يعنی مبلغی بيش از هزار يورو، قتلی را بعهده گرفت که هرگز انجام نداده بود. این نوجوان پانزده ساله پس از اینکه متوجه شد، پولی به خانواده اش پرداخت نشده، به دادگاه اطلاع داد که نقشی در قتل نداشته و تنها بخاطر نوجوان بودنش به او گفتنند که اگر قتل را بگردن بگیرد، اعدام نخواهد شد. او فريب متهمان ديگر را خورده و در ارتکاب قتل نقشی نداشته است.

خواهر محمدرضا با شنیدن خبر قریبالوقوع اعدام برادرش، خود را به آتش کشيد و فعلاً با تنی مجروح و نیم سوخته زنده مانده است تا خبر اعدام برادرش را بشنود.

پرونده قضایی محمدرضا کاملاً مخدوش است و ایرادات بسیاری در پرونده وجود دارد. در گزارشات پزشکی قانونی علت اصلی مرگ نامشخص است، هیچکدام از مستندات پرونده در دادگاه اذعان نشده است، تمامی مراحل بازرجویی در اداره آگاهی و زیر فشار انجام شده است. هیچ تحقیقی توسط کارشناس جنایی و از جانب دادگاه انجام نگرفته است.

خبر اعدام محمدرضا به خانواده اش ابلاغ گردیده است. خودش هنوز از اجرای حکم خبر ندارد.

این تراژدی غم انگیز، شرح حال نوجوانی است که قربانی فقر و تهديدستی است. قربانی رذالت دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و قوانین ضد بشری مجازات اسلامی قصاص است.



محمد رضا حدادی

مردم شريف و انساندوست در سراسر جهان؛

شما تصوير نوجوانی را می بينيد که روز چهارشنبه همین هفته ۱۶ تير ماه، قرار است به دارآویخته شود. نامش محمد رضا حدادی است متولد ۲۷ اسفند ۱۳۶۶ است، در پانزده سالگی بدلیل به گردن گرفتن قتلی که انجام نداده بود، دستگیر و به اعدام محکوم گردید. چندبار برای اجرای حکم به پای چوبه دار آورده شد، و هربار با تلاش و کيبش و اعتراضات وسیع جهانی از يك قدمی مرگ، دوباره به سلولش بازگردانده شد تا همچنان با کابوس و تهديد طناب دار، قدمهای سنگین روز شمار مرگش را نظاره گر باشد!

او اکنون بیست و سه ساله است، هشت سال است که در زندان درانتظار مرگ شب و روز را به هم دوخته است. فرزند خانواده ای تنگدست است. پدرش کارگر مزرعه است. چون با گوجه و خیارچینی توان اداره زندگی خانواده را نداشت، محمدرضا را با يك برادر معلول و يك خواهر و مادری که دوبار سخته قلبی کرده، تنها می گذارد. محمد رضای پانزده ساله برای رهایی از فقر و مصیبتی که خانواده اش را درهم

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Degrees West ۷@ A/NILESAT ۴AB :Satellite

۱۰۸۷۳ :Freq

Vertical :Polarity

۲۷.۵۰۰ :Symbol Rate

۳/۴ :Fec



مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.  
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.  
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



محمد آسنگران

این مطلب هفته گذشته در انترنایونال ۳۵۵ منتشر شد. بنا به اهمیت موضوع، آنرا در این شماره ایسکرا چاپ کردیم. ایسکرا

عبدالله مهتدی در نیمه خرداد ۱۳۸۹ طی يك مصاحبه با تلویزیون بی بی سی نکاتی را بیان کرده است که مورد بررسی مخالفین و موافقین آن قرار گرفته است.

مهتدی در این مصاحبه تحولات فکری خود را از يك کمونیست به يك ناسیونالیست و قومپرست شرح میدهد و به درست میگوید از خیلی وقت پیش خود را کمونیست نمیداند و مارکسیست و یا لنینیست هم نیست، بلکه يك سوسیال دمکرات است، البته سوسیال دمکرات بودن ناسیونالیستهای کرد هم داستان خودش را دارد. مهتدی هم همانند هر دو حزب دمکرات کردستان میخواهد عضوی از کنگره جهانی سوسیال دمکراتها باشد.

مهتدی دلایل جدایی خود را از حزب کمونیست ایران چنین بیان میکند: "می توانم به طور خلاصه این را بگویم که به طور کلی بیش از هر چیز ما معتقدیم که تجربه جهانی کمونیسم، يك تجربه ناموفقی بوده است و نباید با این تجربه و با این اردوگاه تداومی شد، بنابراین کنار گذاشتن اساسی این تجربه و نقد آن... اهمیت دادن به مساله کرد به عنوان يك مساله مهم اجتماعی در جامعه ایران و در جامعه کردستان،.... اگر همه اینها را روی هم بگذارید يك بازنگری کامل ایندولوژیک، سیاسی و تاکتیکی و تشکیلاتی بود. اصولاً معتقدیم که برای دموکراتیزه کردن ایران.... تقسیم قدرت باید باشد و در این تقسیم قدرت البته باید مناطق، ملیت ها و قومیت های مختلف کاملاً در نظر گرفته شوند"

## نکاتی پیرامون مصاحبه عبدالله مهتدی با تلویزیون بی بی سی

نکات فوق به نظرم مهمترین نکات مصاحبه مهتدی است. این نکات البته هیچکدام تازه نیست. از اوایل دهه ۹۰ تا کنون مهتدی بر این سیاستها تاکید داشته و برای آن فعالیت کرده است. اتفاقاً جواب و نقد ناقص و ناپیگیر مخالفینش به این مصاحبه، من را بر آن داشت که هم توضیحی در مورد چرایی این مصاحبه مهتدی بدهم و هم برای نشان دادن حقیقت به تاریخ گذشته لاقلاً ۲۰ سال قبل نگاهی کرده و نقش مهتدی آن موقع و منتقدین امروزش را هم بررسی کنم.

اولاً رسانه هایی از نوع بی بی سی و صدای آمریکا به دلیل قحطی رجال در میان ناسیونالیستهای کرد و استقبال و حمایت مهتدی از موسوی و کروبی به او روی آورده اند.

این روی آوری رسانه ها به مهتدی هم به دلیل سفارشات جلال طالبانی و روشنفکران ناسیونالیست کرد عراق است که صدای آمریکا و بی بی سی گوش شنوایی برای آنها دارند، و هم به دلیل قحطی رجال در میان احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد ایران است که اکنون نوبت به مهتدی رسیده است. هم حمایت بی دریغ مهتدی از اصلاح طلبان حکومتی. چنانچه مصطفی هجری هم با این سیاست نوکر صفتی مهتدی احساس فاصله میکند.

اما لائسه کردن مهتدی همراه با تحقیر او از جانب این رسانه ها يك سیاست از قبل تعیین شده است. هنگامیکه بی بی سی میخواهد مهتدی را لائسه کند فراموش نمیکند که به او بگویند اگر تو را لائسه میکنیم باید بدانید که آدم کوچکی هستی و زنگراهی زیادی زده آید. تازه به جایی رسیده آید که حزب دمکرات کردستان ۶۰ سال قبل آنجا بوده است، علاوه بر این بی بی سی با يك تیر دو نشان را زده است. هم از زبان يك کمونیست سابق زهرش را علیه کمونیستها میریزد و هم قحط الرجال اصلاح طلبان حکومتی و ناسیونالیسم کرد در کردستان را با این عروسک پرده پوشی میکند.

مهتدی ۲۰ سال قبل و مهتدی امروز

مهتدی بیست سال قبل از صف کمونیستها کوچ کرد و همان موقع هم يك فحش نامه علیه منصور حکومت منتشر کرد. او بدلیل خواب نما شدن و یا غور و تفحص به این نتیجه نرسیده بود، بلکه بعد از تحولات عراق و بعد از اینکه ناسیونالیسم کرد در نتیجه جنگ اول خلیج، در کردستان عراق به حاکمیت کردستان گمارده شد و بوی قدرت و پول به مشام ناسیونالیستها رسید، مهتدی هم این بورا شنید و برای مزه کردن و دستیابی به آن از صف کمونیستها به صف ناسیونالیستها نقل مکان کرد.

در همان کردستان عراق جنبش ناسیونالیستی در مقابل جنبش کمونیستی و جنبش کارگری و جنبش برابری طلبانه زنان برای يك زندگی بهتر قرار داشت. در يك نگاه کلی دو جنبش ارتجاعی و انقلابی در مقابل هم بودند. در مورد قتل ناموسی ۵۰۰۰ زن در کردستان عراق در طول چند سال اول حاکمیت ناسیونالیستها و در مورد حمله به کمونیستها و کشتار آنها توسط ناسیونالیستها و... مهتدی بطور واضحی در کنار طالبانی و بارزانی و صد البته برای استفاده از امکانات مالی آنها يك سیاست ضد آزادی و ضد کمونیستی را در پیش گرفت.

به نظر من مهتدی از اوایل دهه ۹۰ میلادی و آغاز حمله اول آمریکا به عراق صندلی خود را عوض کرد. مهتدی از صف سرخها به صف ناسیونالیستها مهاجرت کرد. از آن تاریخ تا کنون تغییر زیادی نکرده است. اگر کسی آن هنگام حقیقت را ندیده و معنی این جابجایی مهتدی را متوجه نشده است باید به سیاست خود شک کند.

مهتدی نه امروز بلکه از اوایل دهه ۹۰ میلادی به يك کمونیست "سابقی" تبدیل شده است. مهتدی در دل بمباران و ویران کردن عراق از جانب آمریکا و متحدینش و سرازیر شدن نیروی مسلح احزاب ناسیونالیست کرد عراق از کوهها به

شهرهای کردستان عراق و باز شدن روزنه امید به قدرت رسیدن برای همه ناسیونالیستهای کرد این سیاست را پیشه کرد. در آن هنگام احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به حکومت رسیدند. همین اتفاق کافی بود که امید و توهم رسیدن به قدرت را در دل ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران زنده کند. اتفاقاً با همین توهم بود که خواهان حمله آمریکا به ایران و آرزوی همراهی ارتش آمریکا را داشتند.

در چنین شرایطی بود که مهتدی صندلی عوض کرد و از آن هنگام تا کنون بر صندلی ناسیونالیستی و قومپرستی تکیه زده است. او به هر خفت و خواری ای تن میدهد و حتی گذشته خود را نه نقد بلکه انکار میکند که بتواند توجه مخاطبین خود را جلب کند و جایی به حسابش بیاورند و نشستی با او داشته باشند. مهم نیست این نشست با آبدارچی کاخ سفید است و یا همکار درجه چندم فلان پارلمان، مهم اینست ایشان سری در میان سرها باشد. مهتدی در این مصاحبه با بی بی سی يك بار دیگر بر این سیاست تاکید میکند و پیام خود را اگر قبلاً به کاخ سفید ارسال میکرد اکنون به موسوی و کروبی میفرستد. او چیز تازه ای در این مصاحبه نرفته است. سیاست ناسیونالیستی ای که از ۲۰ سال قبل آغاز کرد را فقط با صراحت بیشتری تکرار کرده است.

هنگامیکه ۲۰ سال قبل مهتدی نوشت باید به دنبال پیدا کردن دوستان و متحدین خود در صف اتحادیه میهنی بگردیم و متحد پیدا کنیم فاتحه کمونیسم و کارگر را خوانده بود. امروز با همان سیاست به دنبال پیدا کردن دوست و متحد در میان اصلاح طلبان حکومتی است.

در اینجا وقتی که به تحولات دهه ۹۰ میلادی در عراق اشاره میکنم در مورد تئوریهایی و اتفاقات مربوط به زندگی همان مردم حرف میزنیم. در مورد تلاش میلیونها بشر برای يك زندگی انسانی، در مورد نقد سیاست همراهی ناسیونالیسم کرد با حملات وحشیانه

دولت امریکا در عراق، در مورد جنگ و نفرت قومی و در عین حال در مورد دولت "کرد" در کردستان عراق حرف میزنیم که علیه سکولاریسم، علیه آزادی بیان و علیه مردم زحمتکش کرد و غیر کرد در این منطقه عمل میکند. از نظر مهتدی تلاش برای رسیدن به آزادی و برابری و زندگی انسانی شکست خورده و تجربه ناموفقی است که باید از آنها دست بردارد. زیرا کمونیسم چیزی جز آزادی، رفاه و برابری و انسانیت نیست و او کمونیسم را تجربه ناموفقی میداند که باید صفش را از آن جدا کند. اما آنچه از نظر مهتدی ابدی و جاودانه و درست است، دفاع از کردایتی و قومپرستی و در صف انتظار مدعوین وزارت خارجه آمریکا ایستادن تا روزی به همت جنگی دیگر و بعد از کشتارهای وحشیانه دیگر، راه برای به قدرت رسیدن شخصی مثل او فراهم شود. و اگر اینهم نشد راه سازش و همراهی با بخشی از جمهوری اسلامی به اسم اصلاح طلبان گشوده بماند.

مهتدی احتمالاً در خلوت خود میگوید از طالبانی چه کم دارد؟ ناسیونالیسم و بی پرنسیبی و زرنگی و رنگ عوض کردن و... را از طالبانی و البته برادر خودش صلاح مهتدی یاد گرفته است. تنها چیزی که باید هنوز هم تکرار کند، توبه کردن و تبری جستن از گذشته هایی است که در صف کمونیستها بوده است و بگوید تجربه کمونیزم شکست خورده است و...

برای مهتدی روشن بود وقتی که به صف ناسیونالیستها پیوست به عنوان يك قومپرست باید دوستان و متحدان خود در کردستان عراق را نه در میان رهبران کارگری و کمونیستهای آن جامعه بلکه در صف ناسیونالیستهای کرد متشکل در اتحادیه میهنی پیدا میکرد. اما این سیاست برای کسانی که خود را چپ و در عین حال همراه مهتدی میدانستند با این صراحت روشن نبود و همراهی موقت آنها تا سال ۲۰۰۰ به همین دلیل بود.

همان موقع کم نبودند کسانی که مباحثات ما کمونیستهای کارگری در نقد نظرات مهتدی را جدی

## از صفحه ۵ نکاتی پیرامون مصاحبه ...

نگرفتند، اما حالا بعد از این همه سال اگر به نتایج تازه‌ای رسیده‌اند مثبت است. ولی به اشتباهات و سیاست خود در گذشته باید واقف باشند.

بودند، امروز باید به نتایج نا مطلوب آن سیاستها واقف شده باشند. اکنون وقت آن رسیده است که همین رفقای چپ ما که خوشبختانه صف خود را از مهتدی جدا کردند به این تاریخ نگاه کنند و آترا مورد بحث و بررسی قرار بدهند. رفقای که عمدتاً در صف کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران هستند لازم است این تاریخ را بدون حب و بغض بررسی کنند و متحدين و منتقدین مهتدی را يك بار دیگر نگاه کنند و متوجه این حقیقت بشوند اگر آنها پشت مهتدی نایستاده بودند، سرنوشت حزب کمونیست ایران و کومله می‌توانست طور دیگری رقم بخورد. میدانم عمدتاً این جواب را به من خواهند داد که اگر منصور حکمت و همراهانش نمی‌رفتند ناسیونالیسم اینقدر در کومله قوی نمیشد.

اما حقیقت این است قبل از رفتن ما جنگ کمونیسم و ناسیونالیسم شروع شده بود و بخش عمده این دوستان به نظر من آگاهانه

مهتدی همان موقع طرح قطعنامه‌ای را در حزب کمونیست ایران پی گرفت که هدفش این بود در سایه حاکمیت ناسیونالیست‌ها در کردستان عراق لم بدهد و با آنها همراه شود. طبعاً مهتدی آن وقت می‌خواست کل حزب کمونیست را به آن صف ملحق کند. بنابراین برای اینکه جدایی و ضدیت خود را با کمونیسم مستقل کند مثل امروز نمیتوانست با این صراحت علیه کمونیسم حرف بزند. اما مضمون سیاستش همین بود که امروز آترا دنبال میکنند.

کسانی که ۲۰ سال پیش به دنبال تئوریهای راست مهتدی روان شدند و مشوق انتشار نشریه "افق سوسیالیسم" به سردبیری مهتدی

یا نا آگاهانه در کنار مهتدی و در مقابل ما قرار گرفته بودند. خود این واقعه کمک کرد که ما به این قناعت برسیم که مانند بی فایده است. در حالیکه اگر همان وقت افراد شاخصی که الان رهبری کومله و حزب کمونیست ایران را دارند مثل امروز در مقابل مهتدی می‌ایستادند سیاستهای ناسیونالیستی او را نقد میکردند، به نظر من سرنوشت جدائیها و تصمیم منصور حکمت طور دیگری رقم می‌خورد. همزیستی با ناسیونالیستی مثل مهتدی و امثالهم در آن مقطع مسیری را به آن حزب تحمیل کرد که بجز ضرر نفعی از آن عاید چپ و کمونیسم نشد.

اگر قرار است درسی از این تاریخ گرفته شود بررسی این مسایل است نه اینکه مهتدی غیر کمونیست و یا ضد کمونیست شده است زیرا ضد کمونیست بودن مهتدی قدمتی ۲۰ ساله دارد موضوع تازه‌ای نیست.

تیر ۱۳۸۹

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BÖFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله‌ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده‌اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده‌اند. این حداقل شرایطی است که هر کس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹



مینا احدی

## سخنی با شما!

### ما میتوانیم سکینه را نجات دهیم!

سه شنبه صبح در بسیاری از کشورها، روزنامه های سراسری به زبانهای مختلف، خبر احتمال سنگسار شدن سکینه را چاپ کرده اند، با عکس سکینه و در بسیاری موارد اسم مرا هم ذکر کرده اند. منطبق شدن اسم من با اسامی محکومین به اعدام و سنگسار و به نوعی عجیب شدن احساسات و عواطف من با احساسات این قربانیان، موقعیت ویژه ای در زندگی من فراهم کرده است.

این احساس دوگانه را در مورد سکینه هم دارم پیدا میکنم. آیا از او هم فقط اسمی و شماره تلفنی باقی میماند، یا اینکه نجاتش میدهیم؟ دفترچه تلفن من با اسامی زیادی عجیب شده است. اسامی کودکان محکوم به اعدام که تلفنهایشان را نوشته ام، اسامی محکومین به سنگسار و اسامی کسانی که اعدام شدند و رفتند... سنگسار شدند و زجر کش اشان کردند...

این نوشته در حقیقت یک درد دل با کسانی است که امروز توجه اشان به خبر "احتمال سنگسار شدن یک زن" در ایران جلب شده است. و من نامه های فراوانی گرفته ام که "آیا در این دنیا چنین چیزی ممکن است"!!

با من به دنیای کودکان محکوم به اعدام، زنان قربانی سنگسار و قوانین وحشیانه اسلامی و به دنیایی بیابید که در آن یک حکومت اسلامی، چندین میلیون نفر را به گروگان گرفته و زندگی را بر آنها جهنم کرده است...

هر بار که با کودکان محکوم به اعدام در زندانها حرف میزنم، هر بار که صدای جوان محکوم به اعدامی را می شنوم که میگویی "خاله ممکنست همین روزها اعدام شوم..." هر بار که با فرزندان محکومین به اعدام از طریق تلفن، آخرین ملاقات با مادرشان را همراهی میکنم و هر بار که نیمه شبهای روزهای سیاه چهارشنبه که روز اعدامها در ایران است، از خواب بلند شده و همراه خانواده کسانی که اعدامشان میکنند، گریه میکنم و

آنها را دلاری میدهم، از من قبول کنید با هر سنگسار شدن یک زن، تکه ای از قلبم زیر سنگها مدفون میشود... با اعدام هر کودکی که صدایش را شنیده و به درد دل او گوش داده ام، گوشه ای از قلبم زیر خاک مدفون میشود... و من هم بارها از خود میپرسم، آیا خواب نمی بینم. آیا این وقایع در دنیای مدرن و پیشرفته امروز اتفاق می افتد؟ چرا؟ و مهمتر از آن چه باید کرد؟

متاسفانه این اخبار واقعی است. در بخشی از دنیا جنبش اسلامی و اسلام سیاسی با سنگسار و اعدام صدها و هزاران نفر، مردم را میترساند و حکومت میکنند. این کنه واقعه ای است که اتفاق می افتد.

ولی ما اخبار خوب هم داریم... ما زندگی نازنین فاتحی را نجات دادیم، افسانه نوروزی، ژیلای ایزدی و همین روزها علی مهین ترابی که در ۱۶ سالگی دستگیر شده و منتظر ۱۸ ساله شدن او بودند تا او را به دار بکشند...

امروز برای نجات سکینه مبارزه میکنیم. برای کسانی که در جریان این کمپین بزرگ برای اولین بار اسم کمیته علیه اعدام و سنگسار و اسم مرا شنیدند، خودم را مختصر معرفی میکنم.

من مینا احدی هستم و از ایران آمده ام. در ایران دانشجوی پزشکی بودم که خمینی و اسلامیه قدرت را گرفتند. به فرمان حکومت اسلامی مبنی بر رعایت حجاب گردن نگذاشتم و از دانشگاه اخراج شدم. من به فعالیت علیه قوانین و حکومت اسلامی رو آوردم و یکسال بعد از اخراج از دانشگاه بدلیل فعالیت سیاسی، خانه ما مورد حمله پاسداران قرار گرفت و هنگامی که سر کار بودم همسرم و پنج مهمان خانه ما دستگیر شدند. چهار مرد و از جمله همسر من یک ماه بعد در سال ۱۹۸۰ اعدام شدند. دو زن دستگیر شده را آزاد کردند.

من از همان سالها علیه اعدام و سنگسار فعالیت میکنم. دفترچه

خاطرات من، بیوگرافی من و کتابم که در آلمان در سال ۲۰۰۷ منتشر شد به اسم "من از مذهب رویگردانم" فقط زندگی من نیست در همان کتاب سرگذشت ۱۳ نفر محکوم به سنگسار را نوشته ام و سرگذشت کودکان محکوم به اعدام و همچنین زندگی نازنین فاتحی که از اعدام نجات یافت و با دسته گل مردم به استقبال او رفتند و یا زندگی افسانه نوروزی که با تلاشهای جهانی او را از مرگ نجات دادیم و یا زندگی عبدالله فریور معلم جوانی از شمال ایران، که حکم سنگسارش به اعدام تخفیف یافت و متاسفانه او را کشتند.

در دفترچه تلفن من این اسامی را به وفور می بینید... ماکوان مولودی، همجنسگرای ایرانی که اعدام شد، کبرا رحمانپور، زن جوانی که در یک خانه کار میکرد و به او تجاوز شده بود، به اتهام قتل میخواستند او را اعدام کنند، شهلا جاهد و یا فرزند کمانگر فعال سیاسی محبوب و معلم دلسوز از کردستان ایران که اخیرا اعدام شد... مریم ایوبی... شهلا... شهناز... حاجیه اسماعیل وند...

هر صفحه این دفترچه تلفن را که ورق میزنم، این اسامی را می بینم و آهی میکشم و نمیخواهم این اسامی را خط زده و اضافه کنم... در تاریخ... در زندان... سنگسار شد و یا در تاریخ... در اوین اعدام شد...

من نمیخواهم اسامی این انسانهای عزیز، فعالین سیاسی و یا زنانی که هیچ کس از آنها حرف نمیزند و به اعماق جامعه تعلق دارند، را از دفتر خود خط بزنم... و نمیخواهم این اسامی از ذهن جامعه پاک شود. من برای روزی فعالیت میکنم که این جنایات مورد بررسی دادگاههای بین المللی قرار گیرد و مسببین و مسئولین این جنایات در مقابل دادگاه قرار بگیرند...

امروز که توجه شما به این جنبش عظیم علیه سنگسار و اعدام جلب شده و از ما میپرسید چه باید بکنیم پاسخ ما این است: حکومت اسلامی ایران در مورد سکینه روز شنبه ۱۰ جولای، یک روز قبل از روز جهانی علیه سنگسار میخواستند تصمیم نهایی اش را اعلام کنند. برای اینکه حکومت عقب نشینی کند و حکم سنگسار را لغو کند،

باید این اقدامات را انجام دهیم.

به دولتهای کشور محل اقامت خودتان نامه داده و درخواست کنید به حکم سنگسار سکینه فوراً اعتراض کنند. معمولاً اعتراضات بین المللی از سوی دولتها و نهادهای بین المللی بسیار موثر واقع میشود. آنها میتوانند سفیر حکومت اسلامی را فراخوانده و فوراً و رسماً اعتراض کنند. آنها میتوانند سفارت خانه های حکومت اسلامی را ببندند و حکومت آپارتاید جنسیتی را محکوم کنند.

روز یکشنبه ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است. هر جایی که هستید با چند نفر به مرکز شهر رفته و در این روز با یک اقدام مشترک به سنگسار در ایران و در دنیا اعتراض کنید. با عکس سکینه محمدی آشتیانی و شعار نه به سنگسار. ماتریال این حرکت را از ما دریافت میکنید.

با ما تماس بگیرید و ما را در پیشبرد این کمپین بزرگ همراهی کنید. تماس با مطبوعات کشور خودتان و فرستادن نامه اعتراضی به سفارت خانه های حکومت اسلامی در کشور خودتان و کمک به ترجمه و یا ارسال مطالب به رسانه ها و جمع آوری کمک مالی برای پیشبرد این اعتراضات گسترده جهانی از اقدامات مهمی است که شما میتوانید انجام دهید و همه این فعالیتها به ما کمک میکنند، جان تعداد بیشتری را نجات دهیم.

دوستان گرامی!

ما و فرزندان سکینه دست بسوی قلبهای شما دراز کردیم و دیدیم که قلب بشریت با ما می طپد. برخلاف سکوت چندین ساله دولتها، شما به یاری مردم ایران آمدید. کمک کنید سکینه را نجات دهیم.

۶ ژوئیه ۲۰۱۰

http://notonemoreexecution.wordpress.com

## اخباری از شهرهای کردستان

### بازداشت فرزاد احمدی از فعالین کارگری در سنندج

در ادامه تداوم فشار بر فعالین کارگری روز سه شنبه فعال کارگری "فرزاد احمدی" به دلیل عدم توانایی پرداخت مبلغ جریمه تعیین شده برای وی، توسط دستگاه قضایی بازداشت و به زندان این شهر انتقال یافت. دستگاه قضایی رژیم اسلامی علیه فرزاد احمدی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تحریک مردم به تجمع در راهپیمایی بر علیه اعدام، حکم ۶ ماه زندان تعزیری صادر نمود که در دادگاه تجدید نظر به یک میلیون تومان جریمه نقدی تغییر یافته است. لازم به ذکر است "فرزاد احمدی" در تاریخ ۲۰ مردادماه سال گذشته در خیابان فردوسی شهر سنندج توسط مأموران امنیتی رژیم دستگیر و مدت ۲۰ روز در زندان مرکزی سنندج بازداشت بود و با قرار وثیقه ۳۰ میلیون تومانی از زندان آزاد گردید.

### تعرض مزدوران رژیم به دستفروشان در سنندج



مزدوران رژیم بارها به این زحمتکشان مهر آشوبگر زده اند.

### بستگان انور حسین پناهی به زندان محکوم شدند



در پی افزایش فشارها بر خانواده انور حسین پناهی، زندانی سیاسی، دو تن از بستگان وی به زندان محکوم شدند و پدر ایشان توسط اداره اطلاعات احضار شد. افشین (برادر انور حسین پناهی) و بدیع حسین پناهی، به اتهام "تبلیغ علیه نظام از طریق خبر رسانی به خارج از ایران" از سوی دادگاه انقلاب هر یک به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

هم چنین پدر افشین و انور حسین پناهی نیز اخیراً دو مرتبه توسط اداره اطلاعات شهر قره احضار شده است. انور حسین پناهی که اکنون در زندان سنندج نگهداری می شود، در دادگاه بدوی به اتهام "محاربه و اقدام علیه امنیت ملی از طریق همکاری

با احزاب سیاسی در کردستان" محکوم به اعدام شد و طی چند جلسه محاکمه، حکم وی بعدها به ۱۶ سال حبس تعزیری کاهش یافت.

مأموران وزارت اطلاعات به تازگی فشار بر این زندانی سیاسی را افزایش دادند و بر همین اساس وی چندین بار به اطلاعات سنندج احضار شده است.

بازجوی وزارت اطلاعات قصد دارند انور حسین پناهی را بر اساس پرونده ای جدید مجدداً به دادگاه بکشانند.

### جنایت مزدوران رژیم در منطقه سردشت



شامگاه جمعه، چهارم تیرماه نیروهای انتظامی در منطقه "دولی درمناوی" از توابع "هومل" سردشت، گروهی از کارگران مرزی را به رگبار بستند.

بر اثر این حمله نوجوانی ۱۴ ساله به نام زانیار ابراهیمی، فرزند محمد، اهل روستای "فقیه خدریان"

منطقه "باسکی کوله سه" هدف گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

در این حمله همچنین ۶۰ رأس از چهارپایان نیز تلف شده و ۲۰ رأس نیز به غنیمت نیروهای رژیم درآمدند.

### احضار ۷ تن از اعضای کمیته هماهنگی و فعالین کارگری شهر اشنویه به دادگاه انقلاب ارومیه

روز ۱۱/۴/۸۹ شش نفر از اعضای کمیته هماهنگی به نامهای صمد احمدپور - رحمان تنها - رحمان ابراهیم زاده - فتح سلیمانی - حسین پیروتی - عباس هاشم پور و همچنین عیسی ابراهیم زاده از فعالین کارگری شهر اشنویه از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه احضار شدند و به آنها اعلام شد تا در تاریخ ۲/۵/۸۹ در این دادگاه حاضر شوند.

قابل ذکر است که نامبردگان سال گذشته از تاریخ ۸/۱۲/۸۸ به مدت ۱۲ روز در بازداشت زندان سپاه پاسداران واقع در ارومیه بودند، سپس هر کدام با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

\*\*\*

## ۱۸ تیر روزی برای گسترش انقلاب مردم علیه رژیم مفلوک اسلامی



## نامه اعتراضی دبیر کل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات به خامنه ای در مورد وضعیت محمود صالحی

تضمین دهید آقای صالحی فوراً مراقبت های پزشکی مورد نیاز را دریافت خواهد کرد. ما همچنان دولت جمهوری اسلامی را مسئول حفظ صحت و سلامتی و او خواهیم دانست.

ران اوزوالد دبیر کل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات

\*\*\*

برده است. در طول این مدت زندان، او به طور مستمر از مداوا، از جمله دیالیز ضروری برای تنها کلیه باقی مانده اش، محروم شده است. شرایط او در حال حاضر رو به وخامت گذاشته و به نظر می رسد با خطر جانی روبرو شده است.

در حالی که ما دولت جمهوری اسلامی را مسئول شرایط وخیم او می دانیم، بنابراین من از شما می خواهم که بدون هیچ گونه تاخیری

بدین وسیله ما نگرانی عمیق خود و میلیون ها عضو این نهاد را در سراسر دنیا به وضعیت بحرانی سلامتی محمود صالحی در سقز اعلام می داریم.

آقای صالحی از ۵ سال پیش به خاطر فعالیت های خود به عنوان رئیس انجمن کارگران خباز سقز و نیز دفاع از حقوق پذیرفته شده انسانی کارگران و فعالیت اتحادیه ای آنها در ایران، بارها در زندان به سر

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!